



دیالوگ روز

مغزهای کوچک رنگ‌زده - هومن سیدی - ۱۳۹۶
شاهین (نوید محمدزاده)؛ من گی‌ا که چوپان نباشه کوسفندا تلف میشسن یا کم میشن یا از گرسنگی می‌میرن، چون مغز ندارن. هرکسی که مغز نداره به چوپون نیاز داره... به چوپون دلسوز



محمود زافارنی
دیپلمات پیشین

وینستون چرچیل از رهبران برجسته سیاسی جهان و یکی از رهبران مهم قرن بیستم است.

چرچیل فردی شوخ‌طبع، مردی با تناقضات متعدد، شجاع و یکی از پیشگامان موضوعات بهداشتی، آموزش‌وپرورش و رفاه اجتماعی کشورش شناخته می‌شود. او در ۳۰ نوامبر ۱۸۷۴ در لندن به دنیا آمد.

روزنامه‌نگاری که نخست‌وزیر شد

چرچیل در سال ۱۸۹۳ وارد ارتش بریتانیا شد. اما در ۱۸۹۹ ارتش را به قصد انجام فعالیت‌های سیاسی ترک کرد؛ باین‌حال قبل از آن به‌عنوان روزنامه‌نگار به آفریقا جنوبی -که در آن «جنگ دوم بوئر» در جریان بود- رفت و در آنجا به اسارت درآمد. اما موفق به فرار شد. فرار چرچیل به‌گونه‌ای باورنکردنی بزرگ‌نمایی شد. او از این موفقیت استفاده کرد و با شرکت در انتخابات از حزب محافظه‌کار موفق به ورود به پارلمان شد. در ۱۹۰۰ از سوسی حزب محافظه‌کار نامزد نمایندگی مجلس عوام انگلستان شد. ولی در مدت نمایندگی پارلمان با محافظه‌کاران بر سر مسائل اقتصادی اختلاف پیدا کرد و در ۱۹۰۴ به حزب لیبرال پیوست. از سال ۱۹۲۲ عضو حزب لیبرال و چندین دوره نماینده پارلمان بود. در ۱۹۱۰ وزیر کشور شد. از ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۵ لرد اول نیروی دریایی بود و در تجهیز و تدارک نیروی دریایی انگلیس در آستانه جنگ جهانی اول نقش مهمی ایفا کرد. پس از یک سال خدمت در ارتش و شرکت در عملیات جنگی، دوباره به خدمات دولتی فراخوانده شد و در اواخر جنگ جهانی اول به مقام وزارت تدارکات رسید. پس از پایان جنگ، به وزارت جنگ و نیروی هوایی منصوب شد. در انتخابات هفتم نوامبر سال ۱۹۲۴ به سمت وزارت دارایی انگلیس در دولت «بالدوین» منصوب شد. در ۱۹۲۵ به حزب محافظه‌کار برگشت و تا ۱۹۶۴ همواره در فهرست نامزدهای حزب محافظه‌کار به نمایندگی مجلس عوام انتخاب می‌شد.

خاک ایران سدره آلمان‌ها

در ۱۰ ماه می ۱۹۴۰، هم‌زمان با حمله آلمان به باختر اروپا، ماموریت تشکیل کابینه به چرچیل سپرده شد. در بهار سال ۱۹۴۱، با جعل خبر آدامگی شوروی برای حمله به آلمان که از سوی سازمان اطلاعات انگلیس صورت گرفت و آمریکایی‌ها آن را در اختیار آلمان قرار دادند، آلمان را به جنگ با شوروی ترغیب کرد. پس از حمله آلمان به روسیه، در یک نطق رادیویی از روسیه حمایت و آمریکا را به ورود به جنگ با آلمان ترغیب کرد. در ماه‌های اولیه جنگ که احتمال شکست انگلیس و متحدانش مقابل آلمان زیاد شده بود، تصمیمی از سوی سران متفقین گرفته شد و آن استفاده از خاک ایران جهت جلوگیری از نفوذ آلمان به خاورمیانه و امدادسانی به شوروی برای دفاع در برابر حملات آلمانی‌ها بود. این در حالی بود که ایران اعلام بی‌طرفی کرده و ارتش رضاشاه در عرض چندین ساعت از سوی قوای انگلیسی و شوروی از جنوب، غرب و شمال محاصره شد. در تمام مدت جنگ، همه تلاش خود را به کار برد تا کثودن جبهه دوم در باختر اروپا را هرچه بیشتر به تأخیر اندازد. هدف او از این طرح، دادن اجازه کافی به ماشین جنگی آلمان برای تخریب هرچه بیشتر زیر ساخت‌های شوروی بود که این طرح نیز با موفقیت انجام شد. در جنگ جهانی دوم، چرچیل موفق به جلب نظر آمریکا علیه آلمان شد و توانست با دشمن دیرینه کشورش، استالین، علیه آلمان هیتلری متحد شود. پس از تسلیم آلمان در هشتم می ۱۹۴۵ به موجب ریختن مردم به خیابان‌ها و جشن همگانی شد. گفته بود به نظر من تهدید شوروی جای آلمان نازی را گرفته است. چرچیل یکی از شرکت‌کنندگان اجلاس سران انگلیس، شوروی و آمریکا در ۲۸ نوامبر تا اول دسامبر ۱۹۴۳ (۹ تا ۲۶ آذر ۱۳۲۲) در تهران بود.

استفقا

در ۲۳ می ۱۹۴۵، یعنی تنها ۱۵ روز پس از تسلیم آلمان، چرچیل ناچار به استعفا شد. دلیل این مسئله این بود که مردم می‌خواستند به کسی رای دهند که اداره امور صلح را بر عهده داشته باشد. در سومین کنفرانس متفقین، چرچیل رای لازم را نیاورد و جای خود را به رهبر حزب کارگر داد. چرچیل بار دیگر در ۱۳۳۰/۱۹۵۱ و به دنبال ملی شدن صنعت نفت در ایران، به نخست‌وزیری رسید. مصدق، سمت نخست‌وزیری، به عهد خود وفادر و شرکت نفت انگلیس و ایران را که سودآورترین بنگاه تجاری بریتانیا در جهان به‌شمار می‌آمد، ملی کرد. بریتانیا از این اقدام برآشتفت و مصدق را به سرقت اموال خود متهم کرد! آنها ابتدا از دیوان عالی بین‌المللی و سازمان ملل، مجازات او را خواستار شدند و سپس کشتی‌های جنگی خود را به خلیج‌فارس گسیل داشتند و سرانجام تحریم ایران را اعمال کردند.

علیه مصدق

چرچیل، مصدق را بیمار روانی سالخورده‌ای می‌دانست که درصدا از بین‌بردن کشور خود و تحویل آن به کمونیست‌هاست. شوروی که مصدق در مصر برانگیخت، به چرچیل ثابت کرد او نه فقط یک خطر برای منافع نفتی بریتانیا، بلکه نمادی غیرقابل‌تحمل از احساسات ضد انگلیسی در سراسر جهان به‌شمار می‌رود. چرچیل در این سمت به کمک آمریکا طرح سرنگونی دولت دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به اجرا گذاشت.

برنده نوبل ادبیات

او جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۵۳ را به‌خاطر نوشته‌هایش دریافت کرد. خاطرات زمان جنگ او یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی است که ارزش ادبی نیز دارد. این کتاب در ۱۹۵۳ جایزه نوبل گرفت. از چرچیل کتاب‌هایی همچون «سفر آفریقای من، آزادی بحران جهان، قدم به قدم، جنگ رودخانه، تاریخ مردم انگلیسی‌زبان، معاصران بزرگ، جنگ جهانی دوم، پیروزی و تازدزی و مجموعه سخنرانی‌ها» باقی مانده است. چرچیل را باید از معماران اصلی سیاست بین‌المللی انگلستان در یک قرن اخیر دانست. سیاست‌مدار و نویسنده بریتانیایی در رأی‌گیری نوامبر ۲۰۰۲ شکه بی‌بی‌سی، از سوی مردم کشورش به‌عنوان «بزرگ‌ترین بریتانیایی تمام تاریخ» برگزیده شد که در حساس‌ترین برهه تاریخ، فرماندهی بریتانیا در جنگ دوم جهانی را بر عهده گرفت، زمانی که از مردم بریتانیا خواسته شد چرچیل را در یک یا دو کلمه توصیف کنند، از او به‌عنوان «تاریخ‌ساز»، «بانگ»، «جنگ‌طلب»، «سگ نگهبان بریتانیا»، «انگلیسی تمام‌عیار»، «مایه قدرتمندی بریتانیا» و «نایغه» نام بردند و مخالفان نیز از او با کلمات «بیست‌فطرت»، «چاق و خیل»، «دیکتاتور» و «فاسد» یاد کردند. چرپیل در میان عامه مردم مظهر زیرکی و نیرنگ است، زیرکی و ترفندهای سیاسی‌اش باعث شده تا در ایران نیز به چنین افرادی «چرچیل» گفته شود. چرچیل در ۲۴ ژانویه ۱۹۶۵ (چهارم بهمن ۱۳۴۳) در ۹۱سالگی درگذشت.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۴خرداد ۱۴۰۱ • ۲۲ شوال ۱۴۴۳ • ۲۵ می ۲۰۲۲ • **سال نوزدهم** • شماره **۴۲۸۷** • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • **اذان مغرب** ۲۰:۳۱
اذان صبح فردا ۴:۱۰ • **طلوع آفتاب** ۵:۵۲



تهران زیر توفان گردوخاک همسایه



مهدی زارع

در روزهای اخیر نگرانده توفیق زیارت عتبات عالیات در عراق را یافت و این زیارت در میانه توفان‌های بی‌دربی گردوخاک انجام شد. منطقه فرات میانه یکی از مناطق مهم خشک‌سالی در عراق واقع است. درصد منطقه بدون خشک‌سالی از ۸ درصد (در سال ۱۹۸۸ و ۲۰۰۰) تا ۱۷ درصد (در سال ۲۰۱۸) متغیر بود. محدوده‌های خشک‌سالی شدید و بسیار شدید نسبت بیشتری را در منطقه یافته است. خشک‌یکدیگر در منطقه به‌ویژه در قسمت‌های جنوبی و غرب کرپلا در سال‌های اخیر گسترده بوده است. دلیل خشک‌سالی به‌ویژه در این قسمت‌ها به دلیل ترکیب زمین‌شناختی خاک‌های منطقه است که شامل خاک‌های شنی است که به‌طور مداوم

در معرض فرسایش باد قرار می‌گیرند. علاوه بر این، تخلخل بالای این خاک‌ها بر محدودیت نگهداری آب به‌ویژه آب بارندگی اثر نامطلوبی دارد. میلیون‌ها مسلمان شیعه با گرمای شدید، توفان‌های شن و وضعیت امنیتی نامطمئن، در ایام محرم و به‌ویژه اربعین در یک مکان گرد هم می‌آیند و مسافتی ۸۵کیلومتری را به‌ویژه در سال‌های اخیر بین نجف و کرپلا با پای پیاده می‌پیمایند. حال به نظر می‌رسد که مسئله توفان گردوغبار به جالش‌های شیعیان برای زیارت مرقدهای مطهر امام علی(ع) و امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل (س) افزوده

اتفاق

امر به معروف و جرمه‌های نقدی

ایست! محمدحسین فرحبخش از ستاد امر به معروف و نهی از منکر تشکر می‌کند که با نامه خود به‌واقع امر به معروف را به‌طور عملی اجرا کرده و سبب افزایش مخاطبان دو فیلم «دینامیت» و «گشت ارشاد» شده است. او می‌گوید: «تتها موردی که این ستاد اقدام به امر به معروف کرد، همین بود که از دو فیلم «دینامیت» و «گشت ۳» نام برد و باعث حساسیت مردم شد تا جایی که منجر به افزایش فروش این دو فیلم در کران آنلاین هم شده است.» او اضافه می‌کند: «درباره نامه منتشرشده باید اول پرسید که اصلا این ستاد امر به معروف و نهی از منکر که از سال ۹۴

با همین نام فعالیت می‌کند، ستاد چیست؟ چون هرچه هست امر به معروف و نهی از منکر نیست! مگر نمی‌گویند امر به معروف و نهی از منکر؟ یعنی اول امر به معروف است و بعد نهی از منکر؛ همان کاری که امام حسین(ع) با عمل خود در کرپلا انجام داد. او در «محاصره» جنگ قرار گرفت، وگرنه قصد جنگ نداشت. واقعه کرپلا جنگ حق علیه باطل و مقابله خدا با شیطان بود و من نمی‌دانم از کی تا حالا امر به معروف و نهی از منکر پولی شده است؟! اگر راست می‌گویند خودشان پول پیدا کنند و خرج کنند و فیلم بسازند، برای چه از دولت یاج می‌خواهند؟» تهیه‌کننده فیلم‌های «آواز قوم»، «کما» و «زندگی خصوصی» ادامه می‌دهد: «آمارهایی از نهادهای مختلف هست که نشان می‌دهد در روزهای تعطیلی سینماها آمار فرق و فجور و زدنی بالاتر است. البته ممکن است بگویند لابد همین افراد فقط به سینما می‌روند؛ ولی خبر، این‌طور نیست. واقعیت این است که سینما افراد خیلی زیادی را جذب می‌کند و فیلم‌هایی مثل «دینامیت» و «گشت ۳» در شرایط سخت اجتماعی توانسته‌اند عامل به معروف و نهی از منکر باشند؛ اما افرادی که معلوم نیست به کجا وابسته هستند، همه چیز را خلاف واقع می‌بینند. اگر اینها راست می‌گویند به اداره مالیات سر بزند و در برابر برخورد با مردمی که نمی‌توانند مالیات پرداخت کنند امر به معروف و نهی از منکر کنند. بروند شهرداری‌ها را ببینند و مردمی که در آنجا کلی مشکل دارند. بروند اداره‌های مختلف و رفتار با ارباب‌رئوع را ببینند و آنجا امر به معروف و نهی از منکر کنند. اما نمی‌روند؛ چون می‌خواهند امر به معروف و نهی از منکر بی‌هزینه کنند، مثلا در خیابان به تار مویی گیر بدهند». فرحبخش می‌گوید: «ای‌کاش این ستاد امر به معروف سه مورد کاری را که در راستای نام خود انجام داده و مؤثر بوده اعلام کند. من به‌عنوان یک فیلم‌ساز و با وجود اینکه هیچ‌کدام از این فیلم‌هایی که نام برده شده، متعلق به من نیستند، تأکید می‌کنم که این فیلم‌ها باعث شدند در زمان کران کاهش فساد و جرم داشته باشیم و این به جز کمکی است که اینها به تضمین امنیت نظام کرده‌اند؛ چون سینمایی که پرفروش باشد و مردم را سرگرم کند، ضامن امنیت نظام خواهد شد؛ درحالی‌که اتفاقا افکار و باورهای متضاد باعث ضربه به نظام می‌شود و اگر روزی، جمهوری اسلامی آسیب ببیند گروه‌هایی از همین دست باعث آن خواهند شد.» او در پایان مطرح می‌کند: «واقعا جای سؤال است که چرا به خاطر دو فیلم باند نزدیک صد میلیارد تومان به ستاد امر به معروف و نهی از منکر پول داده شود؟ اگر قرار باشد دولت بیش از صد میلیارد تومان بدهد، بهتر است آن را صرف ساختن صد مدرسه کند تا دانش‌آموزانی در آن تربیت بشوند. به نظر کار به جایی رسیده که لازم است یک نفر خود این ستاد امر به معروف و نهی از منکر را امر به معروف و نهی از منکر کند.»



• باغ موزه دفاع مقدس یکی از جاذبه‌های گردشگری تهران است که سعی در انتقال مفاهیم انقلاب و دفاع مقدس دارد. عکس: مهدی حسین نژادی، میزان

دغدغه‌های یک آموزگار

معلمان و گرفتاری‌های اقتصادی!



محمدرضا نیک‌نژاد

۱- چندسالی هست که او را می‌شناسم؛ معلمی باسواد، کتاب‌خوان و دارای کانالی از نوشته‌های اجتماعی-سیاسی سطح بالا. پیام داده بود که درخواستی دار. پاسخ دادم که در خدمتم! به همراه زنگ زد و پس از تعارف‌های معمول گفت گرچه سال‌های پایانی معلمی‌اش است و تاکنون در برابر داشتن شغل دوم مقاومت کرده اما دیگر نمی‌تواند! بچه‌ها بزرگ شده‌اند و نیاز به هزینه‌های بیشتری دارند. حقوقم کفاف زندگی را نمی‌دهد؛ شما که در تهران هستید می‌توانید در یافتن شغل به من کمک کنید؟ هر کاری باشد چندان فرقی نمی‌کند؛ از نگهبانی شبانه گرفته تا فروشندگی و شاگردی و… راستش برابم دشوار است که در شهر خودم به چنین کارهایی بپردازم و… کجی برآمده از درخواست این مرد فرهیخته و محترم با مرورری بسواد و توانایی قلم این معلم کارکشته، ناخواسته به سکوتی چندثانیه‌ای کشاندم! خودم و ذهنم را جمع‌وجور کردم و گفتم: استاد، شرمنده در این زمینه چندان کمکی از من بر نمی‌آید و راستش خودم هم در آستانه بازنستگی به شدت درگیر چنین نگرانی‌هایی هستم اما چشم! پرس‌وجو می‌کنم و اگر موردی بود خبر می‌دهم و …

۲- من نگارنده معلمی با ۳۰ سال سابقه‌ام. حکم کارگزینی سال ۱۴۰۱ هفته پیش به دستم رسید؛ همان حکمی که بنا بر بودجه امسال ۱۰ درصد افزایش حقوق را دربی خواهد داشت. شگفت‌زده و عصبانی رقم حکم سال پیش را منهای رقم امسال کردم و تفاوت این دو عدد شد ۸۷۰ هزار تومان! ۸۷۰ هزار تومانی که پس از کسری‌های قانونی در فیش حقوقی، خوش‌بینانه به ۵۰۰، ۶۰۰ هزار تومان می‌رسد. این افزایش توهین‌آمیز را در کنار حذب یارانه‌های‌مان قرار دادند و عصبانیتم چندین برابر شد! بی‌گمان تجربه‌های زیادی هستند که همین شش‌ده‌غاز حقوق معلمی را ندارند و این باعث می‌شود که طرح گلابه‌های این چنینی در فضای عمومی را سخت دشوار و شرمگینانه کند اما بارها و بارها از خودم می‌پرسم که این عدد چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی افزایش‌های همین یکی، دو ماه نخست سال برای من و یک‌میلیون و ۶۰۰ معلم و بازنشسته باشد؟! و البته این در حالی است که ماه دوم سال به پایان رسیده و هنوز همین افزایش حقوق اندک واریز نشده است! این پرسش راهایم نمی‌کند که مسئولان سیاسی و آموزشی چگونه بدون کوچک‌ترین عذاب وجدانی برای میلیون‌ها ایرانی چنین شرایطی را پدید آورده و ادامه‌اش می‌دهند؟

کمتر کسی هست که از نارضایتهای گسترده و اعتراضات پرشمار فرهنگیان در ماه‌های گذشته بی‌خبر باشد؛ اما این همه ماجرا نیست! گرچه پنج شش سال است که شرایط اقتصادی به چنان روزی افتاده که بخش‌های بزرگی از طبقه متوسط اقتصادی و حتی بالاتر را به زیر خط فقر کشانده و این باعث توجه این بخش از جامعه به شغل‌های دوم و سوم شده است اما این تلاش آزاردهنده برای بسیاری از معلمان مرد بیش از دو دهه است تجربه شده و شوربختانه در شرایط کنونی گسترش و زرقای بیشتری یافته است. در تگاهی سطحی شاید این کار طبیعی و حتی پسندیده به نظر آید، اما بی‌گمان آسیب‌های جبران‌ناپذیری در پی دارد. به باور بسیاری از اندیشمندان آموزشی، آموزش کشتی اخلاقی- فرهنگی است که نیازمند ارتباطی انسانی و اخلاقی میان ذی‌نفعان آن است. هنگامی این کشت به درستی و اثربخش پیش می‌رود که دل‌نگرانی‌های حاشیه‌ای این ذی‌نفعان به کمترین میزان ممکن برسد. دست و پنجه نرم‌کردن معلمان و البته خانواده‌ها با گرفتاری‌های مادی و تمرکزشان بر غم نان، سراسرت بر آموزش نویاگان آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده و در نتیجه آینده آنان را با دشواری‌های فردی و اجتماعی روبرو می‌کند. معلمی که درگیر شغل دوم و سوم است و البته به شدت ناراضی و دلخور، خود به خود نمی‌تواند آنچنان که باید و شاید دل به کار دهد و فرایند آموزش را پیش ببرد. اگر اندکی نگران آینده این کشور هستیم از مهم‌ترین کارها رسیدگی به وضع ذی‌نفعان آموزش و از آن میان تأمین یک زندگی آبرومند، شرافتمندانه و در حد متوسط برای شاغلان و بازنشستگان این نهاد گسترده و مهم است. فریادها و ناله‌های دلسوزانه درگوشی، گوهری است که ارزش‌شان درست‌شدن و به‌موقع عمل‌کردن است.